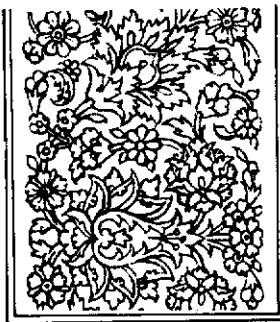


تاریخ و تاریخنگاری

تحولات و جریانات فکری و علمی که در اروپا از قرون جدید به بعد روی داد، از اوائل قرن نوزدهم میلادی بر کشورهای اسلامی بی‌تأثیر نبوده است، و اولین کشوری که مستقیماً با اینگونه تحولات و دگرگونی‌ها به مفهوم «تجدد و نوخواهی» روبرو گشت امپراطوری عثمانی بود. چه، در آن زمان امپراطوری عثمانی بر کشورهای وسیعی از شمال آفریقا تا خاورمیانه عربی و شبه جزیره بالکان مسلط بوده و به همین سبب اثرات تحولات اروپا ابتدا بر بلاد و ولایات تابعه دولت عثمانی مشهود گشت.



تاریخ و تاریخنگاری در اسلام

اما درباره کم و کیف و انگیزه‌های تجددخواهی و پذیرش اصطلاحات به سبک و سیاق اروپایی‌ها در ممالک اسلامی هنوز بحث و مناقشه ادامه دارد، زیرا محققان و اندیشمندان در این زمینه به اندیشه واحدی دست نیافته‌اند.^(۱)



البته وقوع جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراطوری‌های بزرگی، چون: امپراطوری عثمانی، امپراطوری تزاری روسیه و امپراطوری آلمان نه فقط در زمینه اوضاع سیاسی تحولات و دگرگونی‌های عمیق در جهان اسلام و آسیا بوجود آورد، بلکه سقوط امپراطوری عثمانی و پیروزی مارکسیست‌ها در شوروی سبب شد که بعضی از روشنفکران مسلمان در رویارویی با تحولات و جریانات سیاسی تأمل و اندیشه‌های دوباره بنمایند. هر چند که مجابیه و ارزیابی مسلمانان روسیه و مسلمانان بلاد دیگر در رویارویی با انقلاب روسیه متفاوت و گونه‌گون بوده است.

و گفتنی است که مارکسیست‌ها در شوروی جهت تحجیب قلوب و تسکین مصائبی که بر مسلمانان در زمان تزارها وارد می‌شد خصوصاً بعد از قیام خونین و پرآوازه مجاهد کبیر شیخ شامل، میزان قدرت و توان سیاسی و

فرهنگی مسلمانان روسیه* بویژه در قفقاز و آران کاملاً مشهود شده بود^(۲) روش ملایم‌تری در برابر مسلمانان اتخاذ کردند.

اما سرانجام کینه دیرینه و عداوت درونی خود را نسبت به اسلام آشکار نموده و علناً به قلع و قمع مسلمانان پرداختند که داستان اسفبار زندگی مسلمانان در ترکستان روس و قفقاز از نوائب و مصائب فراموش نشدنی دنیای اسلام است.

البته علی‌رغم رفتار ناجوانمردانه روسها نسبت به مسلمانان روسیه و امحاء و انهدام مساجد و مراکز دینی و محو هویت معنوی و فکری و دینی، مقاومت و استقامت مسلمانان هنوز و هنوز ادامه دارد، اگر چه اطلاعات حاصله فوق‌العاده محدود و معدود است، در این زمان برخی از اندیشمندان و متفکرین مسلمان چه در قلمرو مارکسیست‌ها در روسیه و چه در امپراطوری عثمانی در جستجوی راههایی جهت انطباق یا تلفیق اندیشه‌های مادی با اسلام برآمده و مقالاتی چند در این زمینه نوشتند که البته فایده‌ی حاصل نیامد و راهی به دهی نبردند.^(۳)

اما واقعیت این است که پیروزی انقلاب روسیه و سقوط امپراطوری عثمانی سبب شد که پاره‌ای از اندیشمندان اسلامی درباره شناخت تاریخ و تاریخ‌نگاری طرحی نو دراندازند و متأثر از تحولات علمی اروپا و نیز عنایت به جریانات اقتصادی و اجتماعی، دیدگاه‌های تازه‌تری در زمینه تاریخ‌نگاری ارائه نمایند و از قلمرو تاریخ‌نگاری صرف و شرح حوادث تاریخ بیرون آیند.

تا آن زمان در کشورهای اسلامی چندین حوزه تاریخ‌نگاری حاکم بود که معروف‌ترین آنها عبارت بودند از:

اول، حوزه قاهره یا دانشگاه‌های قاهره است، حوزه تاریخ‌نگاری قاهره یا الازهر و مدارس علمی و دینی تابعه آن، تا حدودی تحت تأثیر حوزه تاریخ‌نگاری بغداد در

عصر خلافت عباسی و بعد ترکان عثمانی بود.

در دوره حکومت ممالیک در مصر و ادامه آن حاکمیت عثمانی‌ها بر مصر و شمال آفریقا، مورخان و تاریخ‌نگاران کتابها و آثار زیادی در زمینه تاریخ ممالک اسلامی نگاشته‌اند. سیاست اینگونه تاریخ‌نگاران ارزیابی و تحلیل دولتهای اسلامی از زمان ظهور اسلام تا حکومت عثمانی‌ها بوده است. در قلمرو تاریخ‌نگاری الازهر تأثیر و انعکاس فرهنگی عصر عباسیان و ادامه سیاست فرهنگی آنان مشهود است.^(۴)

حوزه دوم، تاریخ‌نگاری ترکان عثمانی در استانبول است. تحولات تاریخ‌نگاری در دولت عثمانی و مورخان پرنام و آوازه آنان باید جداگانه مورد ارزیابی قرار گیرد. ترکان عثمانی که از قرن شانزدهم میلادی به بعد مبدل به امپراطوری بزرگی شده بودند و در زمینه تحولات فرهنگی و فکری و تاریخ‌نگاری هم بر ممالک تابعه بی‌تأثیر نبودند.^(۵)

روش تاریخ‌نگاری ترکان بر سه محور اصلی متکی بود:

- ۱- ظهور اسلام و دولتهای اسلامی.
- ۲- اقوام و قبایل ترک و نقش آنها در گسترش اسلام.
- ۳- امپراطوری عثمانی بعنوان تنها دولت اسلامی و پادشاه عثمانی بعنوان تنها خلیفه و حاکم قانونی دنیای اسلام.

اگرچه بسیاری از تاریخ‌نگاران ترک روش‌های کسالت‌آور وقایع‌نویسی در شرح احوال دولت عثمانی را مدنظر قرار داده بودند و از این جهت تفاوتی با مورخان دیگر دنیای اسلام نداشتند، اما عنایت به نقش نظامی و تبلیغی ترکان عثمانی و پادشاهان عثمانی را بعنوان حاکم و خلیفه مسلمین تلقی کردن از سیاست

* در زمینه حرکت‌های فرهنگی مسلمانان در ترکستان نگارنده رساله جداگانه در دست تحریر دارد و بخواست خداوند در فرصت مقتضی در اختیار مجله محترم کیهان اندیشه خواهد گذاشت.

اصلی اندیشه‌ورزان عثمانی بوده است.

و همین سیاست فکری سبب شد که متأسفانه ترکان عثمانی، ظهور سلسله صفویه را بعنوان بدعت در دنیای اسلام تلقی کنند و حتی علمای اسلام جهت دفع قیام شاه اسماعیل صفوی در ایران، در مدارس علمیه استانبول اجتماع نموده و رفع قیام شیعیان را از واجبات حتمی شرعی تلقی نمایند و در این باره فتوی صادر کنند. نصوص بسیاری از این فتاوا بویژه فتاوی ابوسعود افندی شیخ‌الاسلام معروف عثمانیها که در عین حال از مصائب و جهالت حکام وقت عثمانی می‌باشد در کتابخانه‌های مشهور ترکیه از جمله کتابخانه سلیمانیه استانبول موجود است.^(۶)

قلمرو سوم تاریخ‌نگاری، مورخان و اندیشمندان ماوراءالنهر و ترکستان بود، آنها هم علی‌رغم اطاعت و پیوند سیاسی-دینی با ترکان عثمانی، جهت دفع صفویان در جستجوی حضوری فعالتر و عمیقتر در دنیای اسلام بودند که نمونه بارز آن نوشته‌های روزبهان خنجی مؤلف سلوک‌الملوک است^(۷) که در اثر فقهی-سیاسی خود ضمن توجیه حکومت شیبک‌خان حاکم ماوراءالنهر، وی را تحریض و تحریک به دفع صفویان می‌نماید. و برای توجیه اندیشه‌های خویش، نظریه خلافت مسلمین و قدرت را مطرح نموده و حتی شیبک‌خان را «خلیفه‌الرحمان» و «ولی وقت» معرفی می‌نماید.

البته کار و اندیشه مورخان دوره صفویه جدا از این حوزه‌ها بود: آنها در جستجوی تأیید دینی و سیاسی صفویان بودند و براساس انتساب به خاندان پیامبر و اهل بیت^(۸)، و به لحاظ همین توجیه سیاسی و نسبی، مبانی قدرت و حکومت شاهان اهل سنت را از بنیان انکار نموده و مشروعیت حکومت آنان را مورد تردید قرار دادند و در برابر دانشمندان و متفکران مدارس علمیه عثمانی-مانند ابوسعود افندی و دیگران که کتاب و رساله علیه «روافض» و صفویان می‌نوشتند-

نویسندگان دوره صفویه هم در رد آنان رسالتی نگاشته‌اند. البته ارزیابی این نوشته‌های موافق و مخالف آن دوره و مطابقت آنها از نظر تبیین جریانات فکری و فرهنگی جالب و قابل نظر خواهد بود.^(۸)

در زمینه تاریخ و مسلمانان تاکنون آثاری چند به زبانهای اروپائی و عربی به قلم آمده که در مجموع می‌توان آنها را از چند دید مورد ارزیابی قرار داد:

(۱) دیدگاههای قرآن نسبت به حوادث تاریخ و کل تاریخ.

(۲) تاریخ‌نگاری در نزد مسلمین و تحول و تطور آن.

(۳) سیر اندیشه و تاریخ‌نگاری مسلمین.

درباره بخش اول، باید گفت که اسلام و قرآن، هم به صورت تاریخ نظر دارد و هم به سیرت تاریخ. صورت تاریخ یعنی حوادث و وقایعی که روی داده است و سیرت تاریخ یعنی اثرات معنوی حوادث و بصیرتی که مسلمان می‌تواند از حوادث تحصیل نماید (عبرت و بصیرت) و داستان‌های تاریخی در قرآن هم ذکر حوادث است و هم عبرت و بصیرت.

تاریخ‌نگاری مسلمین نیز باز منبعث از اندیشه و تفکر قرآنی است. دیدگاه تاریخ‌نگاری اسلامی، نظرگاهی است هدف‌دار و همراه با تفسیر معنوی از حیات و جامعه. و تاریخ بدون هدف و جهت و استحاله نیست، تحولات جوامع، اعتلا و انحطاط دولت‌ها، همه حرکتی است بسوی کمال و مبتنی بر مشیت الهی، بنیان تاریخ‌نگاری مسلمین تفسیر و تبیین معنوی حوادث است و اثرات آن در جامعه.

اما سیر اندیشه تاریخ‌نگاری نزد مسلمین، خود حدیثی دیگر دارد. و در این مقوله باید دید که مسلمانان از چه زمانی دست به تألیف و تدوین آثار تاریخی زده‌اند و چه روشهایی را جهت تدوین آثار برگزیده‌اند. البته توضیح این نکته ضروری است که سیره‌نویسی و عنایت به احوال و شخصیت پیامبر

تاریخی و معرفی آنان از کارهایی است که جهت تکمیل مباحث مأخذ‌شناسی اسلامی ضروری است. روزنتال با اشراف و همچنین علاقه‌ای که به موضوع تحولات تاریخ‌نگاری مسلمین داشته با صرافت و جدیت کافی به این مهم دست یازیده و اثری ماندنی به دنیای اسلام ارائه داده است.

مؤلف کتاب در ۱۹۱۴ در برلین آلمان زاده شد و در زمینه زبانهای شرقی تحصیلات عالی را ادامه داد. و در همین رشته درجه دکتری بدست آورد و مشغول به تدریس شد. و با روی کار آمدن نازیها در آلمان عزم سفر بست و به آمریکا رفت و در آن دیار به تدریس و تحقیق پرداخت و کتاب تاریخ تاریخ‌نگاری مسلمین حاصل تدریس وی در آنجاست. و این کتاب از بهترین آثار علمی وی محسوب می‌گردد. (۱۱۳)

توضیحات مترجم و مؤلف از جمند تاحدودی قلمرو تحقیق و مطالب کتاب را روشن می‌سازد. مترجم در این باره می‌نویسد: «کتاب روزنتال تلاشی منظم در ترسیم خطوط اصلی چهره تاریخ‌نگاری در اسلام و پیمایشی جامع در تصویر آرای مورخان در باب تاریخ‌نگاران و ادای سهم آنان به تاریخ‌نگاری است.» (۱۱۴)

ویژگی کار روزنتال آن است که با ترتیبی منظم به تحول تاریخ‌نگاری در اسلام و کتاب‌شناسی تاریخ‌نگاران عنایت کرده، تفحص و پژوهش را با اتکاء به روشهای علمی انجام رسانده است. منابع مورد استفاده او فراوان و به زبان فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسه، آلمانی و اسپانیولی بوده است. (۱۱۵)

مؤلف دانشمند در پیشگفتار چاپ اول کتاب می‌نویسد: «در واقع اثر حاضر تاریخ مستوفای تاریخ‌نگاری در اسلام نیست بل به بهترین وجه می‌توان آن را تلاشی در راه درک و دریافت مشکلات اساسی تاریخ‌نگاری در اسلام دانست. امید است مواد دریافتی و مورد استفاده در این نوشته بسی ارزش نگاشته نشود.» (۱۱۶)

عظیم‌الشان اسلام از ویژگیهای تاریخ اسلام است. وجود پربرکت و حیات طیبه پیامبر (ص) سبب شد که زندگی ایشان میزان و الگو برای مسلمانان گردد، لذا در تاریخ‌نگاری مسلمین، سیره‌نویسی، جای خاص و قابل توجهی دارد.

*

«تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام» کار و اثر مشهوری است که محقق عالیقدر، استاد فرانتس روزنتال انجام داده است. چاپ اول این کتاب در سال ۱۹۵۲ م صورت گرفت و در سال ۱۹۶۳ توسط صالح احمد‌العلی به عربی ترجمه و منتشر شد. ویرایش دوم کتاب به زبان انگلیسی در ۱۹۶۸ در لیدن هلند انتشار یافت. (۹)

هدف فرانتس روزنتال، صرفاً بررسی علمی و تحقیقی تحولات تاریخ‌نگاری نزد مسلمین است. البته این کتاب و کتاب ارزشمند مدخل تاریخ شرق اسلامی، تألیف ژان سواژه (۱۰) تا حدودی مکمل یکدیگرند. اما زمینه‌های مطالعاتی این دو مؤلف از هم جداست، زیرا هدف روزنتال بررسی تحولات تاریخ‌نگاری نزد مسلمین است و کار ژان سواژه بررسی گسترش جغرافیایی منابع و مأخذ دولتهای اسلامی است.

ناگفته نماند که مسلمین از دیرباز به فایده و منزلت و اهمیت تاریخ پی برده بودند و گذشته از نویسندگانی چون ابن مسکویه، مؤلف تجارب‌الامم و ابن‌خلدون، صاحب مقدمه معروف، رسالات جداگانه‌ای هم در زمینه تاریخ به قلم آمده که معروفترین آنها کتابهای «المختصر فی العلم التاریخ» اثر محی‌الدین کافجی (تألیف ۸۶۷ هـ. ق) و «الاعلان بالتوبیخ لعن ذم اهل التاریخ» اثر سخاوی (۱۱) (متوفی ۹۰۲ هـ. ق) و «مرآة الجنان و عبرة الیقظان» اثر یافعی و نیز بخشهایی از «مفتاح السعادة» اثر طاش قوبروزاده و سرانجام کتاب گرانقدر «کشف‌الظنون» اثر حاجی خلیفه (کاتب چلبی) می‌باشد. (۱۲)

تردید نباید داشت که شناخت مراجع و منابع

ویژگیها و اهمیت کتاب

۱- خلاقیت و ابتکار مؤلف کتاب در بررسی تحول تاریخ‌نگاری در دنیای اسلام خود نشان دهنده اهمیت و منزلت اثر است و با آنکه از تاریخ چاپ اول کتاب تاکنون سی و پنج سال می‌گذرد و هر چند مراکز تحقیقی از تألیف چنین اثری آگاه بوده‌اند، باز باید از مترجم تلاشمند سپاسگزار بود که همتی نموده و زحمتی کشیده و اثر را در حد مطلوب در اختیار خوانندگان و خوانندگان فارسی زبان قرار داده است. اگر چه مترجم محترم در ترجمه اثر، پارامی از اصطلاحات فارسی را بکار برده است که مبتنی بر ذوق ترجمه نامبرده است.

۲- برای اولین بار، تحولات تاریخ‌نگاری مسلمین بصورت منسجم و مستقل در یک مجموعه و اثر در اختیار محققان قرار می‌گیرد و با اشرف و احاطه عالمانه‌ای که مؤلف گرانقدر به منابع تاریخی و السنه فرهنگی دارد و با دقت و وسواس آثار مورد نظر را ارزیابی نموده است.

۳- مؤلف زمینه را برای محققان دیگر آماده نموده و اثر وی مانند کتاب مدخل تاریخ شرق اسلامی، اثر ژان سواژه، الهام بخش بسیاری از نویسندگان آثار تاریخی بوده است.

۴- معرفی و ترجمه آثار نویسندگان و مورخان معروف دنیای اسلام، مانند کافجی، سخاوی، طاش قوپروزاده، از ویژگی‌های کتاب است.

۵- کتاب کاری است تحقیقی در سیر و تطور تاریخ‌نگاری در اسلام، ولی به ابعاد تاریخ‌نگاری در نزد مسلمین اشارتی ندارد.

۶- سخن روزنتال در فصل هشتم در زمینه «ارزیابی تاریخ‌نگاری در اسلام» هم خواندنی است و هم جای بحث و حرف دارد. و مؤلف درواپسین کلام، چکیده آراء خویش را در باب تاریخ‌نگاری مسلمین بیان نموده، اما پذیرش این آراء جای بحث دارد.

مطالب کتاب روزنتال در سه بخش اساسی مورد ارزیابی قرار گرفته است، در بخش اول مباحث و ملاحظات کلی در باب تاریخ‌نگاری است، بخش دوم مربوط است به ترجمه آثاری از مورخان اسلامی و بخش سوم به آثار منتشر نشده‌ای تعلق دارد که در متن به آنها اشاره گردیده است.

ترجمه کتاب که در بر دارنده بخش اول است، شامل هشت فصل می‌باشد:

در فصل اول، مؤلف درباره تاریخ‌نگاری اسلام و کسانی که قبل از وی به این مهم عنایت داشته، و مفهوم تاریخ در عصر نوین و تعریف تاریخ اشاره کرده.

در فصل دوم از آگاهیهای تاریخی در عربستان پیش از اسلام، جایگاه تاریخ در علوم و تعلیم و تربیت اسلامی، تاریخ‌نگار مسلمان بحث گردیده.

در فصل سوم، اشکال اصلی تاریخ‌نگاری در اسلام یعنی تاریخ، خبر، صورت وقایع، تاریخ‌نگاری دودمانی عنایت شده که یکی از دقیق‌ترین و عمیق‌ترین فصول کتاب است.

فصل چهارم، در زمینه محتویات موضوعی آثار تاریخی است.

در فصل پنجم، اشکال گوناگون نوشته‌های تاریخی مانند خواستگاهها، تواریخ عالم، تواریخ محلی، تاریخ معاصر و غیره می‌باشد.

در فصل ششم به جنبه‌ها و ابعاد هنری و نویسندگان آثار تاریخی توجه شده.

فصل هفتم در زمینه داستان بلند تاریخی است. و بالاخره فصل هشتم اختصاص به ارزیابی و تبیین تاریخ‌نگاری در اسلام تعلق دارد که دیدگاههای مؤلف را در زمینه علم و تحولات تاریخ‌نگاری و نقش و منزلت مسلمین در تاریخ دنیا را روشن می‌نماید.

کتاب با سه پیشگفتار از مترجم، ویراستار و مؤلف شروع می‌شود و سرانجام با فهرست راهنمای کسان، کتابها، جاها، موضوعها و اقوام، پایان می‌پذیرد.

تاریخ‌نگاران زمینه‌ساز حرکتهای فکری و فرهنگی بودماند.

البته نباید از یاد برد که بنیان حرکت‌های فکری را پیش از آنکه مورخان بنانهند فلاسفه و اصحاب فرق و شریعت بنا نهاده‌اند و با نقد نصوص و متون و مجابیه با جریانات کاذب، زمینه‌های فکری را در دنیای اسلام آماده می‌نموده‌اند. نویسنده کتاب نتیجه می‌گیرد: «تاریخ‌نگاری به صورتی غیرمستقیم و تنها به میزانی که بخشی از کل فعالیت فکری اسلامی را تشکیل داد در استمرار فرهنگی عظیم و پیچیده میان شرق و غرب جایی دارد» (۱۸).

در خاتمه کتمان این مطلب هم‌روا نیست که جای بررسی آثار مورخان شیعه در دنیای اسلام فوق‌العاده خالی است. اگرچه بزرگمردانی چون علامه امینی و آیت‌الله حاج آقا بزرگ طهرانی و استاد علامه مرتضی عسگری و استاد محمدرضا حکیمی و... نقش اساسی و محوری در احیای آثار علمی شیعه داشتند، بایسته است در این موقعیت و فرصت میمون، احوال مورخان شیعه از سواد به بیاض آید و مقام و منزلت نویسندگان و مورخان شیعه را بر علاقمندان روشن سازند. بسمه و کرمه.

روزنتال معتقد است که تاریخ‌نگاری در اسلام نهضت فکری بوجود نیاورده است. (۱۷) در اینجا این سؤال مطرح است که کدام بعد تاریخ‌نگاری باید مورد توجه و مطمح نظر باشد. اگر تاریخ‌نگاری، محدود به بررسی وقایع و پادشاه‌نامه‌ها باشد، بدون شک چنین آثاری نمی‌تواند موجد نهضت و حرکت فکری گردد. قریب به اتفاق مورخین در دستگاه پادشاهان و سلاطین بودند و سخنی می‌گفتند که حاکمان را خوش آید و نوشته‌های تحریر می‌نمودند که مورد پسند ظالمان و امیران خود گامه باشد. اینگونه وقایع‌نگاران درباری بی‌خبر از مصائب خلایق نمی‌توانند ایجاد حرکت فکری نمایند.

متأسفانه تاریخ‌نگاری در اسلام به جهت انحراف قدرت و حکومت و مسلط شدن دولتهای ظلم بر جوامع مسلمین، از مسیر فکری و اخلاقی خویش منحرف شد و این اعوجاج سیاسی-فکری، زیانهای زیادی بر جامعه اسلامی وارد ساخت.

اگرچه در برابر مورخان محترص و خواهان نام و نان، نویسندگان آزاده‌ای هم بودند که حقایق را کتمان نمی‌کردند و برای طیب‌خاطر سلطان و پادشاه دست به مدح و ستایش نمی‌زدند. بدون شک اینگونه

یادداشتها

۱- نگاه کنید به:

۲- رک: جنگ افغانستان و دخالت شوروی و نهضت مقاومت، تالیف آندره بریگوالیویه روا، ترجمه ابو الحسن سروقدمقدم، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس، مرداد ۱۳۶۶ (فصل سوم) تجارب اتحاد جماهیر شوروی در جنگ با مسلمانان) ص ۶۵-۷۹. و کتاب: مبارزات خلق مسلمان ترکستان برضد استعمار سرخ شوروی و چین، تالیف استاد محمد اسد شهاب، ترجمه مهدی پیشوائی، قم تیر ۱۳۵۸، و اثر:

Ali Haydar Midgat Bey; The life of Midgat pasha, Newyork, 1973; Habide Edib, Turkey Forces West, 1930, Lavender Cassels; The struggle of the Ottoman Empire; Creasy Edward; History of Ottoman Turks, Beirut 1963; Lewis Bernard. The Emergence of modern Turkey, London 1960

و کتاب الاتجاهات الحدیثه فی الاسلام، المطبعة السلفية، مصر. و نیز کیهان اندیشه، شماره ۸، جریانات فکری در امپراطوری عثمانی، از نگارنده.

Romein Jan Marius: The Asian Century, a history of modern nationalism in Asia, Berkeley, 1962; Carl Max Kortepeter: Ottoman Imperialism during the reforma-

۸- الخربوطلی، علی حسنی، الاسلام والخلافه، بیروت، داربیروت للطباعة، ۱۹۶۹.

انصاری، عبدالواحد، مذاهب ابتدعتها السياسة فی الاسلام، بیروت ۱۹۷۳.

صادق جلال السنحطه، نقدالفکرالديني، بیروت ۱۹۷۱، آل یاسین، شیخ محمد حسن، هوامش علی کتاب نقدالفکر الديني، دارالنفاثس، ۱۳۹۴ هـ.ق.

۹- رک: تاریخ تاریخ نگاری در اسلام، فرانتس روزنتال، ترجمه اسدالله آزاد، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۵، پیشگفتار مترجم، ص ۶.

۱۰- رک: کیهان اندیشه، شماره ۱۵، بررسی کتاب مدخل تاریخ شرق اسلامی، از نگارنده صورت گرفت.

۱۱- رک: السخاوی، شمسالدين محمدبن عبدالرحمن، الاعلان بالتوبيخ لمن ذم التاريخ، بغداد، ۱۹۶۳.

۱۲- رک: کیهان اندیشه، شماره های ۴ و ۵ و ۶ و ۱۳، که نگارنده به احوال مأخذ شناسان دنیای اسلام و نیز زندگانی کاتب چلبی و طاش قوپروزاده پرداخته است.

۱۳- تاریخ تاریخ نگاری در اسلام، پیشگفتار مترجم، ص ۳.

۱۴- مأخذ سابق، پیشگفتار مترجم، ص ۳.

۱۵- مأخذ سابق، پیشگفتار مترجم، ص ۶.

۱۶- مأخذ سابق، ص ۱۱.

۱۷- مأخذ سابق، ص ۲۱۹.

۱۸- مأخذ سابق، ص ۲۲۲.

tion, London; Togan, A.Z.V. Bugönku Türkistan ue Yakın Mazis, 1929-30.

۳- نگاه کنید به:

Günes Güxetesi, istanbul, 1976

Bati ue Batıcieik, istanbul 1975

۴- پیرامون مصر در دوران حکومت فاطمیان، ایوبیان و مسالیک، مراجعه کنید به: النوادر السلطانية، تالیف ابن شداد، الدار المصر لتالیف والترجمه والنشر و کتاب مفرج الکروب فی اخبار یسنى ایوب، تالیف ابن اصل، دار القلم، قاهره و کتاب الدرہ المضيئة فی اخبار الدولة الفاطمية، اثر الدواداری، قاهره، المعهد العلمی لاثار بمصر. و کتاب الروض المهضوب فی حلی دوله بنی ایوب، ومقالة پروفیسور شهاب الدین تکیین داغ، درزمینه روایط مسالیک باعثمانی، در مجله دانشکده ادبیات استانبول، ترکیه.

۵- نگاه: کنید به:

M. T. Gökbilgin: Osmanli, Medeniyeti Teskilati, Doktora Notlar, istanbul 1976; I. H. Uzuncaisili: Osmanli, ilmiye Teskilati, yeni baski, istanbul, 1976; Dr. A. Adivar: Osmanli. Töiklerinde İlim, istanbul 1972,

۶- نگاه کنید به:

Dr. Abdülkadir Altınsu, Osmanli, Seyhülislamlar, Ankara, 1972, S: 28-35

۷- رک: کیهان اندیشه، شماره ۲، از نصیحةالملوک تا سلوک الملوک، نقدنگارنده بر کتاب مذکور.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

